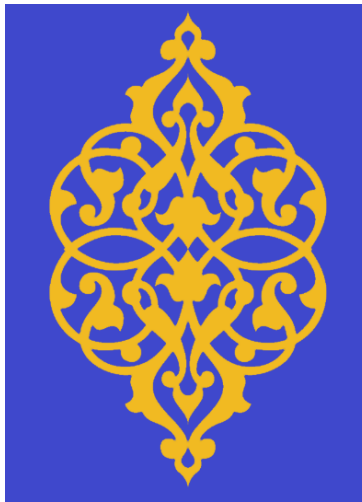




گنجینه زبانهای ایرانی
Iranian Languages Corpora
www.irancorpora.com

23111005

Lâri

Ironies

Consultant and Collector: Leila Dianat

Location: Iran, Lâr

Date: November 2023

Transcribed by: Leila Dianat

Digitized by: Esfandiar Taheri

۲۳۱۱۱۰۰۵

لاری

کنایات لاری

گزیده‌ای برگرفته از کتاب «فرهنگ سه‌زبانۀ اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها

و کنایه‌ها در زبان لاری»، نوشته لیلا دیانت، تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۱

گردآورنده و گویشور: لیلا دیانت

تاریخ آذر ۱۴۰۲

آوانویسی و ترجمه: لیلا دیانت

پردازش و زیرنویس: اسفندیار طاهری

3

00:00:10,550 --> 00:00:16,200

engār taš š-a bār-e

انگار بار آتش دارد

کنایه از انسان عجول و کم‌طاقت

4

00:00:17,200 --> 00:00:22,800

taš-e zer-e bal ma-vā-xaran

آتش زیر خاک نرم را زیر و رو نکن
موضوعات ناراحت کننده سابق را دوباره یادآوری نکن؛ پنبه لحاف به باد دادن

5

00:00:23,350 --> 00:00:28,350

taš ma-vā-xaran

آتش را زیر و رو نکن
آتشی که رو به خاموشی است، شعله‌ور نکن

6

00:00:28,800 --> 00:00:36,850

taš-oš čed-e, das a balataš dārdā-i

آتش خاموش شده ولی خاکستر آتش را با دست هم می‌زند
کنایه از خرج کردنِ ته مانده مال از دست رفته است

7

00:00:37,950 --> 00:00:44,950

m-a-vi bād-i be-y-ā t-az duman-e gol

می‌خواهم بادی از دامن گل به سمت تو بیاید
آرزوی خوشی برای کسی

8

00:00:45,650 --> 00:00:51,650

ima-e pa-e oṯāx-e

هیزم پای آتش است
همه کاره و به درد بخور

9

00:00:52,100 --> 00:00:58,100

moštoloṯ-ot kola-e sera-m

مژدگانی تو کلاه سرم است
زمانی که کسی در عوض خبر بی‌ارزشی مژدگانی خوبی می‌خواهد
این عبارت به کار می‌رود

10

00:00:58,950 --> 00:01:03,950

š-a tombu šond-em

با زیرشلواری مرا نشانند

آبرویم را برد؛ هرچه بد و بیراه بود نثارم کرد

11

00:01:04,300 --> 00:01:10,300

čā:bu amiša va gella-e

نگهبان چاه همیشه گله و شکایت دارد

اشاره به افرادی است که هر قدر کارفرمایان به آن‌ها توجه کنند، باز هم راضی نیستند

12

00:01:10,950 --> 00:01:16,950

čaš-e kami mo-va a-kon-en

چشم کمی به ما می‌کنند

یعنی با تحقیر و ترحم به ما نگاه می‌کنند

13

00:01:17,750 --> 00:01:23,750

čaš-e šaw orma-e Lašt_e

چشم شب، خرماي لشت(نوعی خرماي سیاه‌رنگ) است

توصیه به عدم انتخاب و خرید چیزی در شب است؛ زیرا سیاهی شب، مانع از دیدن عیوب و نواقص می‌شود

14

00:01:24,700 --> 00:01:33,150

xars az čaš-e kür, kerāk az del-e xāli

!اشک از چشم نابینا و آروغ از دل (شکم) خالی

کنایه از امری بعید

15

00:01:33,850 --> 00:01:39,850

aqrab š-a pešanü-e

عقرب در پیشانی‌اش وجود دارد
کنایه از شخص آزاردهنده و اخمو

16

00:01:40,100 --> 00:01:46,100

čon-e biz a xoma kat-e

مثل زنبوری است که توی خمره افتاده
کنایه از سرو صدای پیوسته

17

00:01:46,650 --> 00:01:54,250

eš-e xoš vā tek-e xoš a-bi

شپش بدنش را دوباره داخل بدن خود می‌اندازد
حتی از شپش بدنش هم نمی‌گذرد
اشاره به فرد بسیار خسیس است

18

00:01:55,850 --> 00:02:01,850

eš-e te aw kata-e

مانند شپشی است که داخل آب افتاده است
رسوای خاص و عام بودن؛ سکه یک پول شدن

19

00:02:02,750 --> 00:02:10,050

gera čay ke leng o left-oš če bū

مورچه چیست که پایش چه باشد
کنایه از بی‌اهمیت بودن و بی‌ارزش بودن چیزی

20

00:02:11,300 --> 00:02:18,050

ar asp-i šo-a-ves , šo-dovanā

هر اسبی که خواستند، دواندند
تمام تلاششان را کردند تا مانع انجام کاری شوند

21

00:02:18,450 --> 00:02:25,950

xar a Xür- e, Xür a xarman

خر در خور(نام شهری در ۵ کیلومتری لار) است و خور در خرمن

خر تو خر؛ بی نظمی و هرج و مرج در کارها

22

00:02:26,450 --> 00:02:33,850

xar š-a xarman-e ma kerd-e

خر را در خرمن من رها کرده است

پا در کفش من کرده است؛ ایجاد مزاحمت کرده است

23

00:02:34,350 --> 00:02:41,450

sag vak a-ko , oštor a-čar-e

پارس می کند و شتر می چرد سگ

کنایه از افرادی است که هیچ نفعی برای دیگران ندارند و سرگرم کار خودشان هستند

24

00:02:41,750 --> 00:02:47,750

bal a lü čonda-e

گویی خاک نرم به صورتش کشیده شده است

صورت ژولیده و نامرتب دارد

25

00:02:48,900 --> 00:02:54,900

va bal čonda , ta-bin-em

موقع بیرون ریختن خاک (موقع جارو و نظافت خانه) هم تو را خواهیم دید

خطاب به کسی که با رسیدن به ثروت یا مقام مغرور می شود و دیگران را فراموش می کند

یعنی منتظر روزهای نداری و بی چیزیات هم باش

26

00:02:56,000 --> 00:03:01,400

beč beč š-a-vi

بچه بچه می خواهد

بچه، همبازی همسن و سال خودش را می‌خواهد

27

00:03:01,400 --> 00:03:07,850

beč-i ond-e pir-i be-dovan-e

بچه‌ای آمده که فرد پیری را بدواند

وقتی کوچکتری قصد نصیحت بزرگتری را دارد از این عبارت استفاده می‌شود

28

00:03:08,250 --> 00:03:14,300

račena-e bar va dar-e

جهت ناودان به سمت بیرون از خانه است

اشاره به کسی که خیرش به نزدیکان و همسایگان نمی‌رسد

29

00:03:14,500 --> 00:03:20,650

šālda-š a lü-e sordu-e

شالوده خانه‌اش بر روی زباله‌دان بنا شده است

کنایه از انسان بی‌اصل و نسب

30

00:03:21,000 --> 00:03:28,950

xomu ta:r -am , ormā-mu šeri!

خودمان تلخ هستیم ولی خرماهایمان شیرین است

خطاب به افرادی که صرفاً به خاطر مال و ثروت و یا پست و مقام به کسی نزدیک می‌شوند

31

00:03:29,300 --> 00:03:37,050

xaw-e šaw, arum-e rüz-e

خواب شب، آرامش روز است

این عبارت ضرورت استراحت و خواب کافی در شب را بیان می‌کند

32

00:03:37,950 --> 00:03:44,550

bazāl-e ma:va š-az kam and

بازارِ مهوه (نوعی سس شور محلی لاری) را کم داشت
اشاره به ورود افراد نالایق به مجلسی است

33

00:03:45,300 --> 00:03:53,000

nār-e ta:r o šeri m-az ma-bi

انار تلخ و شیرین از من ننداز

برایم خط و نشان نکش

34

00:03:53,350 --> 00:04:01,300

dard a lü-e sera o-nes, ĵār be-kaš

درد روی سر بگذار و همه را باخبر کن

درد را باید گفت تا درمانی برایش پیدا کنند

35

00:04:01,800 --> 00:04:08,350

bibi-n-e das a gol ma-nes-e

مانند) مادر بزرگی است که دست به گل هم نمی‌زند)

کنایه از انسان مغرور و تنبل

36

00:04:09,200 --> 00:04:15,200

a dom-e del-e xoš čed-e

دنبال دل خودش رفته است

در پی تمایلات و هوای نفس رفتن

37

00:04:15,450 --> 00:04:22,600

asta amra-e del-e ma rā: ne-dā

اصلاً همراه دل من راه نمی‌آید

اصلاً به خواسته‌ها و حرف‌های دل من توجهی نمی‌کند

38

00:04:22,600 --> 00:04:30,050

čirešt m-az del ondā-i

جیغ از دلم می‌آید

کنایه از ناراحتی عمیقی است

39

00:04:30,450 --> 00:04:36,450

del m-a lü-e das-e

دلم روی دستم است

در اضطراب و نگرانی به سر می‌برم

40

00:04:37,050 --> 00:04:43,400

š-a del-e xo ne-vā-ešt

در دل خودش باقی نگذاشت

جای حسرت و پشیمانی نگذاشت و هر کاری خواست انجام داد

41

00:04:43,900 --> 00:04:49,900

kap a kap-e sag ma-zan

دهان به دهان سگ نزن

با افراد بددهان مشاجره و بحث نکن

42

00:04:50,100 --> 00:04:57,800

rā: a-bin-eš o farsax a-vāpors-eš?

راه می‌بینی و فرسخ می‌پرسی؟

چو دانی و پرسی سؤالت خطاست

43

00:04:58,400 --> 00:05:06,350

zabu-n-e güšti-m vā püssi boes

زبان گوشتی‌ام تبدیل به پوست شد

زبانم مو در آورد؛ بسیار گفتن و نتیجه نگرفتن

44

00:05:06,900 --> 00:05:14,350

angošt va dodu para a-ko

انگشت با دندان پاره می‌کند

تعجب کردن

45

00:05:14,650 --> 00:05:20,450

güšt-om š-a zer-e dodu-e

گوشتم زیر دندانش است

یعنی جیگر گوشه‌ام در دست کسی گرفتار است

46

00:05:20,800 --> 00:05:28,050

kü-i va mü-i a-kaš-e

کوهی را به مویی می‌کشد

با محبت، همه را به سمت خود جلب می‌کند

47

00:05:28,850 --> 00:05:35,950

ser-e bi dard a bālešt nānesen (<ne-a-nes-en)

سر بی درد روی بالش نمی‌گذارند

سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند

48

00:05:36,800 --> 00:05:42,800

ser-e piri o angumagiri

سر پیری و صمغ‌گیری

سر پیری و معرکه‌گیری

49

00:05:43,200 --> 00:05:50,200

sang o kolom m-a ta-e pā ma-bi

سنگ و کلوخ جلوی پایم ننداز

مانع کار من نشو

50

00:05:50,800 --> 00:05:58,250

aškam-oš nu-n-e naw š-ārd-e

شکمش نان نو آورده است

کنایه از افراد فقیری است که به نان و نوایی رسیده‌اند

و موقعیت دیروز خود را فراموش کرده و متکبر شده‌اند

51

00:05:58,650 --> 00:06:04,650

lū a lū-e gel o-nes-eš

صورت بر روی گل بگذاری

خدا کند بمیری تا صورتت را بر خاک بگذارند

خدا کند عزیزی بمیرد تا صورتت را بر خاک گورش بگذاری

52

00:06:05,850 --> 00:06:10,900

š-a vā lū ma-čo

دوباره روی آن برنگرد

اینقدر یک موضوع را تکرار نکن و آن را کش نده

53

00:06:11,050 --> 00:06:17,050

parv az kār nāgere (<ne-a-ger-e)

احتیاط از کار نمی‌گیرد

دنباله کاری را نگرفتن؛ کاری را ادامه ندادن

54

00:06:17,350 --> 00:06:21,950

ger š-a tek kat-e

داخلش گره افتاده است

وقتی که برای انجام کاری از هر راهی به بن بست و مشکل می‌رسیم، این اصطلاح به کار می‌رود

55

00:06:22,350 --> 00:06:28,350

nu-n-e ĵaw o gošna-e xaw

نان جو و گرسنه خواب

کنایه از قناعت کردن

56

00:06:28,750 --> 00:06:34,750

ma m-a-vi, to ot-nāwvi (<ne-a-vi)?

حالا که من می‌خواهم، تو نمی‌خواهی؟

وقتی چیزی به کسی می‌بخشی که راضی به گرفتن آن نباشد

و یا برای رفتنش ناز کند این عبارت را به کار می‌برند

57

00:06:35,100 --> 00:06:42,300

māl a yak ĵā , imun a sad ĵā

مال در یک مکان است و ایمان در صد مکان

مظنون شدن به بسیاری از افراد بعد از وقوع دزدی

58

00:06:42,600 --> 00:06:51,050

ne m-a-šā bessa, ne m-a-šā xāssa

نه توان انداختن دارم و نه توان خواستن (و داشتن) آن

کنایه از تردید و دودلی

59

00:06:51,450 --> 00:06:57,450

oš-xāss-em o ož-bess-em

مرا گزید و انداخت

یعنی این که بر اثر چشم‌زخم او، بیمار و زمین گیر شدم

60

00:06:57,900 --> 00:07:03,900

šin o šān oš-ma-šan

شین و شان (اتباع مهمل بدون معنی) به آن آویزان نکن
بهش شاخ و برگ نده